

# تعاون و تعاضد

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (57) امر و خلق - جلد 3

## ۵۷ - تعاون و تعاضد

از حضرت بهاء الله است قوله جلّ و علا: باید در تمثیت امور یکدیگر بکمال سعی توجه نمائید ینبغی لكل نفسٍ أَنْ یكونَ عضداً للآخرِ این است حکم مالک امم که از قلم جاری شده .

وقوله الاعلی: و إن استجارکم احدٌ من المؤمنین و کنتم مستطیعاً فأجروه و لا تحرموه عمّا ارادَ لیجرکم الله فی ظلِّ رحمته فی یوم الذی فیہ یغلی الصدور و تشتعل الاکباد و یضطرب ارکان الخلائق اجمعین .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز: هو الله ای یاران الهی در هر عصر که علم الهی بلند شد حزب روحانیان در سایه آن رأیت جمع شدند و به معاونت معیشت یکدیگر پرداختند تعاون و تعاضد از فرائض عینیّه هیئت بشریه است علی الخصوص حزب الله را که باید در تعاون و تعاضد یکدیگر بلکه در حق عموم بشر جانفشانی نمایند چه که این بهتر و دلکش تر و به مثابه روح در جسم بشر اثر نماید و حیاتی جدید بخشد عالم وجود به مثابه هیکل انسان است اعضاء و اجزاء حتی رگ و ریشة حقیف و ضعیف باید به تعاون یکدیگر پردازند تا صحت و سلامت و راحت و حیات هیکل جامعه حاصل گردد ملاحظه نمائید که در جمیع کائنات این روابط الهیه و نظام کلی و قانون الهی جاری و ساری مثلاً نبات را ملاحظه نمائید عنصری منتشر نماید که حیات حیوان است و حیوان عنصری مبذول دارد که سبب نشو و نمای نبات است پس تعاون و تعاضد بین جمیع کائنات مشهود و واضح است و این مسأله تفصیل دارد و تشریح باید ولی عبدالبهاء به جان عزیز یاران قسم که ابداً فرصت ندارد لهذا به اختصار پرداخت یاران به تفصیلش خواهند پرداخت مقصود این است که



ORIGINAL

معاونت نوع بشر از اعظم احکام و اوامر جلیل اکبر است علی الخصوص بیاران الهی که در عالم جسمانی و روحانی هر دو اعضاء و اجزاء یکدیگرند و علیکم التّحیّة و الثّناء .

و قوله الجلیل : ای یاران شرق و غرب از اعظم اساس دین الله و معانی کلمه الله و تکلیف احباء الله تعاون و تعاضد است زیرا عالم انسانی بلکه سائر کائنات نامتناهی به تعاون و تعاضد قائم و اگر تعاون و تعاضد متبادله در بین کائنات نماند وجود بکلی متلاشی گردد و چون به نظر دقیق در ارتباط و تسلسل کائنات امعان نمائید ملاحظه میکنید که وجود هر کائی از کائنات مستفیض و مستمد از جمیع موجودات نامتناهی است و این استمداد یا رأساً محقق و یا بالواسطه مقرر و اگر در این استمداد و مدد طرفه العین فتور حاصل شود البتّه آن شیئی موجود معدوم و متلاشی گردد چه که جمیع کائنات مرتبط بیکدیگرند و مستمد از یکدیگر اعظم اساس حیات موجودات این تعاون و تعاضد است عالم وجود را هیكل انسان تصور نمائید جمیع اعضاء و اجزای هیكل انسانی معاونت یکدیگر نمایند لهذا حیات باقی است و چون وقتی در این انتظام خللی حاصل شود حیات مبدل به ممات گردد و اجزاء متلاشی شود پس به همچنین مابین اجزاء کائنات از جهت مدد و استمداد نیز ارتباط عجیبی محقق که مدار بقای عالم و دوام این کائنات نامتناهی است و چون نظر در کائنات ذی روح و موجودات ذی نمو یعنی نباتات دقت نمائید ملاحظه کنید که حیوان و انسان بواسطه استنشاق هوا از کائنات نباتیه ماده حیاتیه اکتساب نمایند و آن عنصر ناری است که بمولّد الحموضه تعبیر میشود و هم چنین کائنات نباتیه از کائنات ذی روح ماده حیات نباتیه عنصر مائی که بمولّد الماء تعبیر میشود اکتساب مینمایند مختصر اینست که کائنات حسّاسه اکتساب حیات از کائنات نامیه نمایند و کائنات نامیه اکتساب حیات از کائنات حسّاسه کنند و این تعاون و تعاضد مستدیم و مستمر است پس اساس حیات و وجود تعاون و تعاضد است و سبب انعدام و اضمحلال انقطاع این امداد و استمداد و هر چه رتبه بالاتر آید این امر عظیم یعنی تعاون و تعاضد شدیدتر گردد لهذا در عالم انسانی تعاون و تعاضد اتم و اکملتر از سائر عوالم است بقسمی که بکلی زندگانی انسانی مربوط به این امر عظیمست علی الخصوص بین احبّای الهی باید این اساس قویم در نهایت متانت باشد بقسمی که هر یک در جمیع مراتب مدد بدیگری رساند چه در مراتب حقائق و معانی و چه در مراتب جسمانی ...